



Explaining the Relationship Between Political Trust and Political Legitimacy with an Emphasis on the Mediating Role of Political Participation (Case Study of 15-29-Year-Old Youths in Mashhad)

Daniyal Kamali Deljoo ¹

Hassan Shamsini Ghiasvand ^{2*}

Asadollah Athari Meryan ³

Received on: 02/05/2023

Accepted on: 02/10/2023

Abstract

Legitimacy is a quality that transforms pure power into legal authority, ensuring compliance not out of fear, but out of a sense of duty. Therefore, political legitimacy is considered the result of citizens' satisfaction, participation, and trust in the political system. The aim of this study is to examine and explain the relationship between political trust and political legitimacy, with a particular emphasis on the mediating role of political participation. For this study, a sample of 388 youths was selected from the city of Mashhad using multi-stage cluster sampling. To ensure the validity and reliability of the research, we employed confirmatory factor analysis, convergent validity, divergent validity, composite reliability, and Cronbach's alpha. The findings indicate a significant positive relationship between political trust and political legitimacy, mediated by political participation. In other words, the results indicate that high levels of political trust contribute to political legitimacy and its promotion among the youth in Mashhad. Additionally, the research findings highlight the significant role of mediators in political participation as a fundamental basis for enhancing political legitimacy from the perspective of the general public, particularly among the youth.

Keywords: Political Legitimacy, Political Participation, Political Trust, Youth, Mashhad City.

1. Student, Department of Political Science, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. (Email: Daniyal.kamali.deljoo@gmail.com).

2*. Assistant Professor, Department of Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author: yashamsini@gmail.com)

3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Takestan Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Email: A.asadollahathary@gmail.com)



تبیین رابطه اعتماد سیاسی با مشروعیت سیاسی با تأکید بر نقش میانجی مشارکت سیاسی

(مورد مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر مشهد)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

دانیال کمالی دلجو^۱

حسن شمسینی غیاثوند^{۲*}

اسدالله اطهری مریان^۳

چکیده

مشروعیت کیفیتی است که قدرت خالص را به صورت اقتدار قانونی درمی آورد و تضمین می کند که نه به دلیل ترس بلکه بر اساس وظیفه از آن اطاعت شود. از این رو مشروعیت سیاسی محصول میزانی از رضایت، مشارکت و اعتماد شهروندان به سیستم سیاسی محسوب می شود. هدف پژوهش حاضر بررسی و تبیین رابطه اعتماد سیاسی با مشروعیت سیاسی با تأکید بر نقش میانجی گری مشارکت سیاسی است. بدین منظور از نمونه ۳۸۸ نفری منتخب از جوانان شهر مشهد به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد. برای تأیید روایی و پایایی پژوهش از انواع تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا، روایی واگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بهره برده شد. یافته ها نشان داد، میان اعتماد سیاسی و مشروعیت سیاسی بر اساس میانجی گری مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. به این معنا که نتایج نشان می دهد سطوح بالای اعتماد سیاسی به مشروعیت سیاسی و ارتقا آن در میان جوانان شهر مشهد کمک می کند. همچنین در این رابطه نتایج پژوهش اهمیت بالای نقش میانجی گر مشارکت سیاسی به عنوان یکی از پایه های اساسی ارتقا مشروعیت سیاسی را از نظر آحاد مردم به ویژه جوانان نشان می دهد.

واژگان کلیدی: مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، جوانان، شهر مشهد.

(صفحه ۲۴۵-۲۸۰)

۱. دانشجوی گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

(Danial.kamali.deljoo@gmail.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

(yashamsini@gmail.com)

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (A.asadollahathary@gmail.com)

مقدمه

بررسی تاریخ سیاسی جهان از نخستین مراحل بنیاد حکومت‌ها تا به امروز نشانگر این واقعیت است که فرمانروایان و حکومت‌ها برای حفظ و دوام قدرت حاکمیت خود، همواره به دنبال مشروع جلوه دادن حکومت خویش بوده‌اند. این عامل به هر نظام سیاسی کمک می‌کند تا بدون نیاز به اعمال زور و اجبار، از میزان مشخص و مطمئنی از اطاعت داوطلبانه‌ی فرمان‌برداران خود اطمینان حاصل کند (مصفا، ۱۴۰۱: ۲۰۹). به عبارت دیگر مشروعیت کیفیتی است که قدرت سخت و خالص را به صورت اقتدار قانونی و نرم درمی‌آورد و تضمین می‌کند که نه به دلیل ترس بلکه بر اساس وظیفه از آن اطاعت شود (نصری، ۱۳۹۸: ۱۱۹). روسو در این باره می‌گوید که قوی‌ترین، اگر قدرتش را به صورت حق و حق را به صورت وظیفه درنیآورد، هرگز آن قدر قوی نیست که همیشه حاکم بماند (روسو^۱، ۱۳۶۶: ۹). از این رو مشروعیت سیاسی محصول میزانی از رضایت و اعتماد شهروندان به سیستم سیاسی محسوب می‌شود و از آنجا که اعتماد سیاسی، اعتماد شهروندان را نسبت به دولت، مجلس، نهادهای عدالت‌گستر، سیستم قانونی و پلیس، بوروکراسی دولتی، احزاب سیاسی و نیروهای نظامی و انتظامی اندازه‌گیری می‌کند، نقشی مهم در بیان میزان مشروعیت ایفا می‌کند (پترارکا و همکاران^۲، ۲۰۲۲: ۹)؛ بنابراین بی‌اعتمادی سیاسی بازتاب‌دهنده‌ی نگرانی‌های موجود پیرامون مشروعیت و کارایی مردم‌سالاری مبتنی بر رویه‌ی نمایندگی سیاسی است. بدین ترتیب ظهور بحران اعتماد در نهایت زوال مشروعیت حکومت را سبب می‌شود و پیروی شهروندان از چنین حکومتی را از اساس مورد تردید قرار می‌دهد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲). بالعکس، کارکرد مطلوب حکومت ممکن است به جلب اعتماد و رضایت شهروندان و بازتولید هنجارهای مشروعیت‌زا و بازیابی مشروعیت حکومت منتهی شود (عبدالحسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۱). در سطح جهانی، بحران اعتماد و مشروعیت، بسیاری از نظام‌های سیاسی را کم‌وبیش تحت تأثیر قرار داده و از جمله‌ی چالش‌های کشورهای جهان در دهه‌ی ۲۰۲۰ به حساب می‌آید. در چنین فضایی حکومت‌ها به احیای اعتماد شهروندان نیاز دارند (حسین عزیز و ماها^۳، ۲۰۱۸: ۱۶). بنا به این دلایل و از آنجا که اکثر حکومت‌های جهان امروز منتخب مردم هستند و دوام و بقای آن‌ها وابسته به ارتباط، حمایت و خواست مردم است، لذا

1 . Jean-Jacques Rousseau

2 . Petrarca, C. S., & et al

3 . Hosain Aziz, Maha

می‌کوشند که این ارتباط را با سازوکار مناسب که همان کسب اعتماد و مشارکت شهروندان است، حفظ کنند.

اهمیت مشروعیت داشتن نظام‌های سیاسی از آن‌روست که نظام سیاسی مشروع از توان بازدارندگی در مقابل انقلاب، جنگ داخلی و حمله خارجی برخوردار می‌شود و چنین حکومتی می‌تواند با پشتیبانی مؤثر و مداوم مردم با انواع بحران‌ها مقابله نموده و وفاداری مداوم، فراگیر و پایدار شهروندان را به دست آورد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۷۰)؛ اما در سمت مقابل، حکومت‌های نامشروع همواره پایه‌های قدرت خود را متزلزل می‌بینند و تحولات عادی را هم امنیتی و توطئه تصور می‌کنند. این حکومت‌ها فقط به نیروهایی که به‌صورت فوری، عملیاتی و عینی وفادار هستند، امتیاز می‌دهند و منافع ملی را به منافع حکام فرو می‌کاهند. چنین حکومت‌هایی عمداً و عملاً بی‌اعتمادی را در جامعه دامن می‌زنند و در نتیجه زمینه بی‌ثباتی سیاسی فراهم می‌گردد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۶۲).

در این شرایط بی‌تفاوتی سیاسی، عدم مشارکت و تحریم انتخابات، افول حمایت سیاسی، نافرمانی مدنی و مقاومت در برابر قوانین رسمی ازجمله نشانه‌های بارز عدم مشروعیت نظام سیاسی بروز می‌کنند (نصری، ۱۳۹۹: ۱۲۱). موضوعاتی که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی ایران (سال ۱۴۰۳)، حکومت جمهوری اسلامی را دچار چالش جدی نموده‌اند. در این موقعیت زمانی جامعه ایران بزرگ‌ترین جنبش سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ را رقم‌زده است و امروزه جامعه و حکومت در شرایط پسمهسا قرار دارند. وقوع این جنبش که در سال ۱۴۰۱ و در امتداد اعتراضات فراگیر سال‌های ۸۸، ۹۶ و ۹۸ رخ داد، در کنار بروز دیگر نشانه‌های معنادار سیاسی و اجتماعی ازجمله کاهش محسوس مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات و بروز نافرمانی‌های مدنی، نشان می‌دهد که بحران اعتماد، مشارکت و مشروعیت سیاسی نمود واضحی پیدا کرده است. آمار رسمی منتشر شده از نتایج چهار انتخابات متوالی سال‌های اخیر، یعنی انتخابات مجلس (۱۳۹۸) با مشارکت حدود ۴۳ درصدی، انتخابات ریاست جمهوری (۱۴۰۰) با مشارکت ۴۸ درصدی (وزارت کشور، ۱۴۰۳)، انتخابات مجلس (۱۴۰۲) با مشارکت ۴۱ درصدی (خبرآنلاین، ۱۴۰۲) و انتخابات ریاست جمهوری (۱۴۰۳) با مشارکت ۴۹ درصدی (وزارت کشور، ۱۴۰۳) واجدین شرایط شرکت در انتخابات، نشان می‌دهد که طی چندین سال متوالی همواره بیش از نیمی از واجدین شرایط حاضر به شرکت در انتخابات نشده‌اند و بدین دلیل آمار کمترین میزان مشارکت سیاسی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی در این چهار انتخابات ثبت گردیده است. آماری که با کسر میزان آرای باطله معنادارتر هم می‌گردد. میزان

مشارکت انتخاباتی به این جهت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی حائز اهمیت مضاعف است که این سیستم سیاسی بر اساس رأی مردم در فراندوم سال ۱۳۵۸ و با مشارکت حداکثری (۹۸ درصدی) پایه‌گذاری شد و همواره این میزان مشارکت به‌منزله‌ی مشروعیت و مقبولیت این نظام نزد شهروندان توصیف گردید. از این روی مشارکت سیاسی منبع مشروعیت ساز این نظام سیاسی محسوب شده و در نتیجه عدم مشارکت شهروندان می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ی کاهش اعتماد و مشروعیت این نظام سیاسی تلقی گردد. در این شرایط عده‌ای از تحلیل‌گران با استناد به آمار پایین مشارکت سیاسی و عدم استقبال جامعه از فرآیندهای دموکراتیک، نزول مشارکت انتخاباتی را به‌عنوان نشانه‌ای از پایان کنشگری سیاسی مردم در نظر می‌گیرند و برعکس گروهی دیگر این نشانه‌ها را بسیار سیاست بار و مبین نوعی کنش فعال قهری (تحریم انتخابات) و بحران مشروعیت نظام جمهوری اسلامی می‌دانند (تاجیک، ۱۳۹۸: ۲۵) و (فیرحی، ۱۳۹۰: ۱۷۵) و (شادلو و کرم پور، ۱۳۹۴) و (دوست محمدی و امیری، ۱۳۹۸) و (پورسعید، ۱۳۸۳) و (نصری، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد عدم تغییر این وضعیت علاوه بر اینکه شاخص‌های مورد اشاره را بحرانی و رادیکال‌تر می‌کند، می‌تواند منجر به شکل‌گیری جنبش‌های بزرگ‌تر سیاسی _ اجتماعی گردد که با توجه به اینکه این جنبش‌ها پتانسیل واقعی تولید خطر اساسی برای موجودیت یک نظام سیاسی را دارند و همچنین به دلیل شرایط خاص سیاسی و جنبشی جامعه امروز ایران و نقشی که مشروعیت سیاسی در بررسی و تبیین این شرایط دارد، پژوهش حاضر بر اساس حساسیت نظری و رسالت پژوهشی به دنبال بررسی وضعیت مشروعیت سیاسی متأثر از اعتماد و مشارکت سیاسی در میان جوانان شهر مشهد است؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که: رابطه اعتماد سیاسی با مشروعیت سیاسی با نقش میانجی مشارکت سیاسی در بین جوانان شهر مشهد چگونه است؟

الف - پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مشروعیت سیاسی در جامعه علمی کشور بسیار محدود و در برخی موارد محتوایی توصیفی داشته و کمتر پژوهشی در رابطه با این موضوع انجام شده است. البته در بخش پیشینه‌های خارجی با دقت و ابعاد بیشتری به نقش متغیرهای مختلف اثرگذار بر مشروعیت

سیاسی پرداخته شده که در ادامه سعی می شود به مهم ترین این مطالعات متناسب با سؤالات تحقیق اشاره گردد.

۱- پیشینه داخلی

وهاب زاده (۱۴۰۱)، پژوهش دانشگاهی را با عنوان «متغیرهای تأثیرگذار بر کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی از دوره هفتم تا سیزدهم انتخابات ریاست جمهوری»، به انجام رسانده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل بسیاری مانند انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی های شخصی، محیط سیاسی، دین و مذهب، سطح اطلاعات سیاسی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت وجود احزاب مختلف در میدان رقابت های سیاسی، وجود فرهنگ مشارکت، اعتماد عمومی به قدرت حاکم، عدالت اجتماعی و اقتصادی، فعالیت رسانه های جمعی و زمینه سازی آن ها مؤثر است. عمده ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. هنگامی فرهنگ همیاری در جامعه وجود نداشته باشد، تأمین مشارکت مردم امکان پذیر نخواهد بود.

سردارنیا و بدری (۱۴۰۰)، با انجام پیمایشی تحت عنوان «سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی» مطالعه موردی کردها، به بررسی رابطه ی چندگونه مهم هویتی با اعتماد سیاسی پرداخته اند. یافته های این بررسی نشان می دهد که بین هویت های قومی با اعتماد سیاسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین هویت های ملی، دینی و خانوادگی با اعتماد سیاسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بر اساس داده ها، متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته یعنی اعتماد سیاسی در سطح نظام سیاسی در حد ۴۵ درصد، نهادهای سیاسی ۳۹ درصد و مقامات یا کنشگران سیاسی ۱۹ درصد، نقش داشته اند.

کرامت و علی پور (۱۳۹۹)، با انجام پژوهشی با عنوان «مؤلفه های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی این مؤلفه ها با روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی پرداخته اند. هدف آن ها از انجام پژوهش بررسی مؤلفه های مشروعیت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است نتایج پژوهش بیان می دارد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چهارعنصر سازنده مشروعیت یعنی حقانیت، قانونیت، مقبولیت و کارآمدی را موردتوجه قرار داده است، اما آنچه در عمل بیشتر مورد تغافل واقع شده، عناصر حقانیت ساز قدرت سیاسی بوده اند.

یزدانی (۱۳۹۹)، در پژوهش میدانی خود با بررسی پیمایشی «میزان مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تبریز»، پرداخته است. نتایج پژوهش مذکور نشان داد: بین سرمایه اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین آگاهی سیاسی، دین‌داری، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سیاسی بودن خانواده و سیاسی بودن دوستان، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

افتخاری و همکاران (۱۳۹۸)، طی پژوهشی برای دستیابی به پاسخ این سؤال که جنگ نرم چه تأثیری بر مشروعیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارد، دست به انجام پژوهشی با عنوان «تأثیرات جنگ نرم غرب بر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، زده‌اند. نتیجه تحقیق یاد شده بیانگر این است که: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهان غرب با استفاده از مؤلفه‌های گوناگون جنگ نرم در ابعاد سیاسی، فرهنگی با عنوان‌های تضعیف اصل ولایت فقیه، بهره‌برداری تاکتیکی از حقوق بشر، وقوع انقلاب‌های رنگی در کشور، رواج نافرمانی مدنی، فرقه سازی دینی و تشکیل اپوزیسیون‌های فرهنگی توسط بلوک غرب و گروه‌های فشار برای تضعیف نظام و مشروعیت سیاسی آن در سطح داخلی و همچنین مجامع جهانی، برنامه‌ریزی نموده و بعضاً توانسته بحران‌هایی را در جهت کاهش مشروعیت برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پدید آورد.

حسینی (۱۳۹۷)، طی پژوهشی تحت عنوان «تأملی بر مبانی مشروعیت سیاسی»، به بررسی چیستی مشروعیت و عوامل بنیاد ساز آن پرداخته است. یافته‌های پژوهش مورد اشاره، نشان می‌دهد که مشروعیت امری نسبی، پیچیده و چند سطحی است که در شکل تام و تمام خود بر پایه‌ها و اجزای مختلفی همچون رضایت، قانون، هنجارها و کارآمدی استوار است و با این شروط دوام پیدا می‌کند؛ اما از آنجاکه تحقق مشروعیت تام امری آرمانی به نظر می‌رسد، باید میزان مشروعیت هر نظام را بسته به هماهنگی و تحقق این اجزای متنوع ارزیابی کرد. بدین‌صورت در عرصه‌ی سیاست واقعی همواره با درجاتی از مشروعیت ناقص روبرو هستیم که در سطح حداقلی مشروعیت، حکومت‌ها از حق حیات برخوردار خواهند بود و شهروندان اقدامی علیه موجودیت آن‌ها نمی‌کنند اما سطوح بالاتر مشروعیت که به مشروعیت آرمانی نزدیک می‌شود، برای حکومت‌ها حق اطاعت و فرمان‌پذیری تام از سوی شهروندان را فراهم می‌کند اما درعین‌حال هیچ حکومتی حتی به فرض پذیرش عامه مشروعیت تمام و کمال را دارا نیست و همه دولت‌های موجود کم‌وبیش بار کسری مشروعیت را به دوش می‌کشند.

نصری و مرسلی (۱۳۹۸)، طی پژوهشی با عنوان «شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل مشروعیت سیاسی با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز»، با در نظر گرفتن شکاف‌های نوپدید اجتماعی شامل گسست نسلی، فاصله‌ی طبقاتی، تمایز هویتی و سبک زندگی به‌عنوان متغیر مستقل و مشروعیت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته به بررسی تأثیرپذیری مشروعیت سیاسی از این شکاف‌های نوپدید پرداخته‌اند. نتایج پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی به‌دست‌آمده این بوده است که فهم شکاف‌های نوپدید و تمرکز بر مطالبات و پیچیدگی‌های آن‌ها نخستین اولوی است که باید در سیاست‌گذاری راهبردی این دهه ملاک عمل قرار گیرد زیرا مواجهه سستی با این پدیده‌ها مثل کنترل از بالا، بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری و تغافل از این خواسته‌ها نمی‌تواند بر آرمان‌های این مطالبات سایه بیندازد.

زنگنه قاسم‌آبادی (۱۳۹۴)، طی پژوهشی با «بررسی مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۴»، به بیان انواع مشروعیت در بازه زمانی موردتحقیق پژوهش پرداخته است یافته‌های پژوهشی یادشده نشان می‌دهد که: از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ با توجه به نقش برجسته امام خمینی در اداره امور و رهبری جامعه مشروعیت کاریزماتیک بر سایر جنبه‌های مشروعیت غلبه داشته است؛ اما در دوره‌ی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ مشروعیت سستی حاکم شده است و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مشروعیت قانونی و ابعاد مردم‌سالارانه در نظام سیاسی حاکم شده است.

یوسفی (۱۳۸۲)، طی تحقیقی مفصل که با عنوان «بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران» و با روش کمی، در سه شهر تهران، مشهد و یزد انجام داده، به این نتیجه رسیده است که میزان مشروعیت سیاسی نظام (۵۳/۸) درصد بوده است که وی این میزان از مشروعیت را ذخیره خوبی برای یک نظام سیاسی تلقی نمی‌کند. همین‌طور در بعد اعتماد سیاسی میانگین به‌دست‌آمده از انجام این پژوهش (۳۸/۷) درصد را نشان می‌دهد که نشان از سطح پایین میزان اعتماد سیاسی دارد و همین‌طور میزان مشارکت سیاسی (۴۰/۷) درصد سنجیده شده است.

۲- پیشینه خارجی

وان ریت و استکلنبرگ^۱ (۲۰۲۲) پژوهش خود را با اهداف بررسی، «تأثیر خشونت (بی‌تمدنی) سیاسی بر اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی: یک فراتحلیل از تحقیقات تجربی»، به انجام رساندند.

1. Jonathan Van't Riet & Aart Van Stekelenburg

یکی از یافته‌های رایج و متداول در پژوهش‌های موردبررسی در این فرا تحلیل نشان می‌دهد که بی‌ادبی سیاسی (خشونت، بی‌تمدنی) اعتماد سیاسی را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد. در صورتی که این خشونت یا بی‌ادبی سیاسی در قالب تصاویر و رسانه‌های بصری منتشر شود نقش بیشتری در بی‌اعتماد سازی و مشارکت کمتر مردم دارد. همچنین نتایج نشان داد بی‌ادبی سیاسی در آمریکا تأثیر کمتری به نسبت اروپا در اعتماد و مشارکت سیاسی دارد.

پترارکا و وسلز^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی به دنبال بررسی، «نقش حمایت از احزاب سیاسی داخلی در اعتماد سیاسی در نگاهی طولی - مقایسه‌ای»، در کشور آلمان بوده‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشان داد: دموکراسی‌های اروپایی تغییرات شدیدی را در رقابت انتخاباتی تجربه کرده و در حال تجربه می‌باشند. حمایت رأی‌دهندگان از احزاب خودی که به‌طور سنتی حکومت می‌کردند کاهش یافته است در حالی که حمایت از احزاب رادیکال و پوپولیستی افزایش یافته است. به‌طور هم‌زمان، کاهش اعتماد سیاسی شهروندان به یک نگرانی و دغدغه ملی در کشور آلمان تبدیل شده است، زیرا اعتماد به نمادها و بازیگران سیاسی در بسیاری از کشورها پایین است. جالب‌توجه است که ارتباط بین اعتماد سیاسی و حمایت از احزاب خودی به‌طور تجربی ثابت نشده است، اما از این واقعیت استنباط شده است که احزاب خارجی اغلب توسط شهروندان ناراضی حمایت می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هنگامی که اعتماد سیاسی پایین است، به‌ویژه اعتماد نهادی، احزاب خودی حمایت انتخاباتی کمتری دریافت می‌کنند. از این رو، ما شواهد تجربی ارائه می‌کنیم که نشان می‌دهد کاهش سطح اعتماد سیاسی، سقوط احزاب داخلی است، در نتیجه پنجره‌ای از فرصت را برای به چالش کشیدن احزاب خارجی باز می‌کند.

آموسی^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی را باهدف بررسی، «ایجاد مشروعیت و اقتدار سیاسی در گفتمان سیاسی» به انجام رسانده است. نتایج پژوهش نشان داد مشروعیت سیاسی به‌مانند به مرجعیت آزادانه با به حداکثر رساندن رضایت شهروندان در ارتباط است. پژوهش یاد شده: ارتباط گفتمانی و میان گفتمانی دولتمردان با مردم و ملت و نقش آن در مشروعیت سیاسی سخن گفته و نقش گفتمان را در این مشروعیت برجسته می‌سازد.

کوئن و کاتسایتیس^۳ (۲۰۲۲) پژوهش خود را حول محور «نقش نوع حکمرانی و پاسخ‌گویی حکومت بر مشروعیت سیاسی در پارلمان اروپا» به انجام رساندند. در پژوهش یاد شده، از طریق

1 . Constanza Sanhueza Petrarca and Heiko Giebler and Bernhard Weßels

2 . Ruth Amossy

3 . David Coen & Alexander Katsaitis

تجزیه و تحلیل سامانمند بی سابقه از جلسات پارلمان اروپا؛ یک شناسایی دقیق از همه شرکت کنندگان در مجالس قانون گذاری بین سال های (۲۰۰۴-۲۰۱۴) مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس میزان نمایش شرکت در جلسات پارلمان، نتایج پژوهش نشان داد: رابطه ای بسیار مهم و معناداری میان پاسخ گویی حکومت ها و مشروعیت سیاسی در اروپا وجود دارد. البته این پاسخ گویی در زمینه اقتصادی نقشی مهم و بی بدیل است.

یانگ و دهارت^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان، «رسانه های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی دانشجویان در دوره انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آمریکا»، با مطالعه بر روی ۴۵۵۶ دانشجوی آمریکایی عوامل رفتاری آنلاین آنان را که در مشارکت سیاسی شان تأثیر داشته است، سنجیده اند. آنان از طریق درج پرسشنامه آنلاین مبتنی بر سایت و روش پیمایشی آنلاین، دانشجویان چندین ایالت آمریکا را به عنوان نمونه برگزیده اند. لذا آن ها به این نتیجه دست یافتند که کاربران جوان فیس بوک و توییتر در انتخابات سال ۲۰۱۲ آمریکا به مطالب منتشر شده در این شبکه ها اعتماد کرده و به آنانی که از این شبکه ها استفاده کرده اند، به میزان بیشتری نسبت به سایر دانشجویان در رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری مشارکت داشته اند. آنان استدلال کرده اند: میزانی که برای استفاده از شبکه های فیس بوک و توییتر توسط دانشجویان آمریکایی صرف می شود ارتباط مثبت مستقیمی با اعتماد آنان به مطالب منتشر شده دارد. محققان همچنین بیان کرده اند: دانشجویان آمریکایی از شبکه های توییتر و فیس بوک بیشترین استفاده را برای مقاصد و اهداف سیاسی خود صرف می کنند. در واقع دانشجویان آمریکایی خودخواسته بر سر مسائل سیاسی در این دو شبکه بحث و گفتگو و بیشترین فعالیت را می کنند. محققان در نهایت نتیجه گرفته اند: پیام ها و رقابت های سیاسی جناح های آمریکا در شبکه های اجتماعی آنلاین برای دانشجویان فاقد جناح سیاسی خاص، قدیمی ترها و زنان مناسب بیشتری داشته است و بر این مبنای بهتر است سیاستمداران با صرف بودجه فرهنگی در شبکه های اجتماعی نظر این گروه از افراد را به خود جلب کنند.

براون^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی تحت عنوان «روندهای اعتماد سیاسی در دموکراسی های جدید اروپا»، به بررسی این موضوع پرداخته و معتقد است: اعتماد سیاسی روز به روز در حال کاهش است و در این بین اعتماد به نهادهای سیاسی کمتر شده است. بسیاری از مطالعات تجربی بر اساس بررسی

1 . Yang, H. C., & DeHart, J. L.

2 . Braun, Daniela

داده‌های جمع‌آوری شده در ایالات متحده و یا در اروپای غربی، به معنی آن است که اعتماد سیاسی در دموکراسی‌های قدیم وجود داشته است. پس از تحولات رژیم‌ها در اروپا که بیشتر آن‌ها استبدادی بودند و به دموکراتیک تبدیل شدند اعتماد سیاسی در بین مردم بیشتر شد. کاهش اعتماد سیاسی یک رابطه عمومی باسیاست جامعه دارد توسعه اعتماد سیاسی دارای نوسان بوده، در یک دوره‌ای افزایش یافته است ولی بعداً این اعتماد از طرف شهروندان کاهش پیدا کرده است اعتماد به نهادهای سیاسی خیلی کم است و این روند کاهش اعتماد نسبت به دستگاه قضایی، پارلمان و پلیس هم به وجود آمده است.

وانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سطح اعتماد سیاسی در شش کشور آسیایی»، بیان داشته‌اند: اعتماد سیاسی نشان‌دهنده ارزیابی مردم نسبت به حکومت است و در نتیجه برای ثبات رژیم حیاتی است بر اساس اطلاعات به دست آمده در پژوهش یاد شده، از یک بررسی اجتماعی متقابل ملی، بررسی سطح اعتماد سیاسی در شش جامعه آسیایی اثرات احتمالی یک سری از عوامل سازمانی و فرهنگی بر اعتماد سیاسی را می‌توان پیدا کرد که عوامل سازمانی، به‌ویژه عملکرد اقتصادی و سیاسی دولت، از عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی هستند درحالی‌که اثرات عوامل فرهنگی به‌عنوان ماتریالیسم، سنت‌گرایی و استبداد ناچیز و ضعیف است. برتری رویکرد نهادی بیش از رویکرد فرهنگی مورد تأکید است. نتیجه تحقیق مذکور این است که نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع آسیایی وجود دارد. آن‌ها برای توسعه کشورشان به‌جای استفاده از الگوهای غربی، باید تلاش کنند که عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی را پیدا کرده تا کشورشان پیشرفت کند.

۳- نقد و جمع‌بندی پیشنهادها

جمع‌بندی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مورد مطالعه به ما نشان می‌دهد که پیشنهادها مرتبط با موضوع پژوهش به‌ویژه در حوزه مشروعیت سیاسی بسیار اندک بوده و باوجود جنبه‌های مثبت و نقاط قوت، مبتنی بر تک پارادایم تفسیری، اسنادی و صرفاً با تکیه بر نظریه‌های از پیش مشخص شده عمل کرده‌اند. روندی که نتایج این پژوهش‌ها را به‌صورت عدد و رقم و آزمون‌های آماری و فاقد تحلیلی جامع درآورده است و در نتیجه، پژوهشی که به‌طور خاص، با نگاهی جدید و ارزیابی دقیق وجوه اعتماد سیاسی بر مشروعیت سیاسی را سنجیده باشد، کمتر صورت گرفته است؛

1 . Wong, T. K. Y., et al

اما با استناد به نتایج همان اندک پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان گفت سطح اعتماد سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، همواره سیر نزولی را طی کرده است که نیازمند علت‌یابی در عملکرد نظام سیاسی را گوشزد می‌نماید. همچنین با بررسی آماری پژوهش‌های بسیار معدودی که در زمینه مشروعیت سیاسی نظام سیاسی پس از انقلاب انجام گرفته است، می‌توان بیان داشت که میزان مشروعیت سیاسی در دهه اول انقلاب یعنی از زمان وقوع انقلاب تا سال‌های پایان جنگ در سطح مطلوبی قرار داشته است، اما در دهه‌های بعد، سطح مشروعیت سیاسی همواره سیر نزولی را طی کرده است.

ب- مبانی نظری

۱- مشروعیت سیاسی

مشروعیت در زبان فارسی به معنی قانونی بودن و مطابق قانون بودن استفاده شده است (کرامت و علی پور، ۱۳۹۹: ۲۲۶؛ ملکی، ۱۳۹۷: ۷۸). معنای لغوی آن به معنی آنچه مطابق شرع بوده و شرع آن را روا و جایز بداند (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ۲۰۹۴۶)؛ اما مشروعیت در عرصه‌ی سیاست به معنای این است که آیا یک سیستم سیاسی که توسط دولت یا حکومت اداره می‌شود، شایستگی اطاعت شدن توسط توده مردم را دارد یا خیر؟ در حقیقت قدرت برای این که توجیه شود، بایستی از یک منبع معتبر سرچشمه بگیرد. این منبع معتبر مشخص می‌کند که چه کسانی از حق حکومت کردن بر دیگران برخوردارند و آنانی که به قدرت می‌رسند چه شرایطی را باید دارا باشند (بیتهم^۱، ۱۳۸۲: ۳۳).

۲- رویکردهای مختلف درباره مشروعیت سیاسی

مشروعیت به عنوان تائید گرایشی قواعد:

در این رویکرد تعلق خاطر، وفاداری، تبعیت و تمایل عاطفی تائید آمیز شهروندان نسبت به نظام سیاسی و قانونی مترادف با مشروعیت تلقی می‌شود. بر مبنای رویکرد حاضر، اطاعت و پیروی افراد از قواعد قدرت، ناشی از باور آن‌ها به حقانیت قواعد است. مکانیسم غالب در ایجاد این نوع مشروعیت بدین شکل است که حقانیت قواعد، به یک باور درونی در افراد مبدل شده و مکانیسم‌های هنجاری

1 . David Beetham

ضمانت اخلاقی پیدا می‌کند، یعنی افراد در یک فرآیند طولانی جامعه‌پذیری ضمن پذیرش قواعد قدرت و احساس تعلق عاطفی نسبت به آن‌ها احساس مسئولانه‌ای نسبت به حفظ قواعد پیدا می‌کنند. بر این اساس، تأیید گرایشی قواعد متضمن چهارعنصر اساسی است که عبارت‌اند از: تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، حقانیت قواعد قدرت و نفع عمومی قواعد. تعلق سیاسی، به معنای هم ذات‌پنداری فرد با نظام سیاسی است که به‌حسب آن فرد خود را جزئی از پیکره نظام سیاسی تلقی می‌کند و بر عضویت خود در نظام سیاسی می‌بالد. احساس عضویت در نظام سیاسی، در ابراز وفاداری و دل‌بستگی فرد نسبت به نظام سیاسی خود را نشان می‌دهد. تعهد سیاسی خصلت اخلاقی و مسئولانه دارد و حاکی از احساس مسئولیت فرد نسبت به سرنوشت نظام سیاسی و آمادگی در حفظ و حراست از قواعد اساسی آن دارد. بدین معنا که فرد حاضر می‌شود از منافع و علایق فردی خود به نفع نظام سیاسی یا حفظ قواعد اساسی آن گذشت نماید. بنابر آنچه تاکنون ذکر گردید می‌توان گفت، مشروعیت سیاسی دارای چهارعنصر اساسی است که عبارت‌اند از: تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت و تأیید نفع عمومی قواعد قانونی و یک نظام سیاسی به میزانی مشروعیت دارد که اکثریت شهروندان آن علاقه و دل‌بستگی خود را نسبت به نظام سیاسی ابراز دارند؛ نسبت به سرنوشت نظام سیاسی، احساس مسئولیت نمایند، حقانیت قواعد قانونی را مورد تصدیق قرار دهند، نفع عمومی قواعد قانونی را مورد تأیید قرار دهند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۲). وبر درباره‌ی اهمیت مشروعیت در مناسبات قدرت و نیز بی‌ثباتی نظام‌های بدون مشروعیت گفته است: عواملی مانند عادات، امتیازات شخصی، انگیزه‌های صرفاً عاطفی و ذهنی همبستگی، هیچ‌یک نمی‌تواند مبنای قابل اتکایی برای اعمال قدرت فراهم آورند. این باور به مشروعیت است که می‌تواند مبنای قابل اتکایی برای قدرت ببیند به عبارت دیگر، هر جا در مورد مشروعیت اقتدار، توافق عمومی وجود داشته باشد، دستورهای صاحبان چنین قدرتی بدون استفاده گسترده از اجبار یا هراس دائمی از نافرمانی و عناد اجرا خواهد شد. در اینجا وبر عبارت مشهور نظریه‌پرداز سیاسی پیش از خودش یعنی ژان ژاک روسو را تکرار می‌کند که نوشته است: قوی‌ترین فرد هم قدرت ارباب شدن را ندارد مگر اینکه قدرت را به حق و اطاعت را به وظیفه تبدیل کند (کیت نش و آلن اسکات^۱، ۱۳۸۸: ۱۴۷). لیپست نیز مشروعیت را توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود برای جامعه مناسب‌ترین است (لیپست^۲، ۱۳۸۳: ۱۲۵۰).

1 . Kate Nash & Allan Scott

2 . Seymour Martin Lipset

راش مشروعیت سیاسی را به هنجارهای اجتماعی و سیاسی گره می‌زند. مشروعیت یعنی میزانی از هنجارهای اجتماعی و سیاسی که در یک جامعه معین پذیرفته می‌شوند و به‌ویژه که در مورد اعمال قدرت یا تسلط برخی افراد یا گروه‌ها بر دیگران به کار می‌برند (راش^۱، ۱۳۹۱: ۵۹). در کنار مشروعیت معمولاً متغیرهای تبیین‌کننده زیادی قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده مشروعیت سیاسی نظام سیاسی، مشارکت سیاسی است. درواقع مشارکت سیاسی، عملی ارادی و آگاهانه است که به‌طور مستقیم از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز، به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره جامعه انجام می‌شود. امروزه مشارکت سیاسی به‌عنوان یک روش سیاسی، دارای منافع ویژه است که فقدان آن به ثبات سیاسی و اهداف بلندمدت حکومت آسیب وارد می‌سازد. مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمالی است که شهروندان به‌وسیله آن اعمال، در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند (وهاب‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۳؛ فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۲). همچنین می‌توان گفت مشارکت سیاسی عبارت است از دخالت واقعی مردم در سرنوشت جامعه‌ی خویش به‌دوراز هرگونه تهدیدات سیاسی و شغلی و یا انتظارات مادی و مقامی (فرصت‌طلبی و تطمیع)، به‌گونه‌ای که تأثیر تعیین‌کننده در سرنوشت آن‌ها داشته باشد. از سوی دیگر مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه‌ی سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰). به‌طورکلی آمارهای این نوع اعتماد نشان می‌دهد که مردم تا چه اندازه از نظام سیاسی خود راضی‌اند. اعتماد کم در این حوزه نشان می‌دهد که نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی یا همه‌ی آن‌ها در عملکرد خود دچار نقص هستند اگرچه که ممکن است دلیل کمبود این نوع اعتماد عملکرد ضعیف نظام سیاسی و یا انتظارات بیش‌ازحد مردم باشد اما به‌هرحال، کمبود اعتماد نشان می‌دهد که یک جای کار عیب دارد (ابراهیمی و بابازاده و کتابی، ۱۳۹۰: ۷۲).

اعتماد نکردن به جوانان و عدم توجه به جایگاه آنان و نیز نادیده گرفتن درخواست‌های طبیعی و فطری آن‌ها از مشکلات عمده است و می‌تواند متقابلاً سبب‌ساز بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی جوانان در قبال جامعه شود (صادقیان و دیگران، ۱۴۰۰).

بریتزر^۲ اعتماد سیاسی را نگرش حامیانه و مثبت مردم نسبت به اجتماع سیاسی (نظام سیاسی)،

1 . Michael Rush

2 . Bretzer, Noreen

نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه می‌داند بدین ترتیب وی اعتماد سیاسی را به سه بخش اعتماد به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی تقسیم می‌کند. با توجه به نظریات بریتزر ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام یا انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص یا به‌هم‌پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارت‌اند از:

اجتماع سیاسی: به معنی اعتقاد، اعتماد و حمایت افراد یک جامعه از اصل نظام سیاسی حاکم، روش کار سیستم سیاسی و عملکرد آن است این شاخص می‌تواند در بردارند ی مصادیقی مثل رضایت مردم از عملکرد کلی حکومت، شیوهی اجرای دموکراسی یا قانون اساسی، حمایت مردم از نظام در مواقعی که موجودیت آن به خطر می‌افتد و ... باشد.

نهادهای سیاسی: به معنی اعتماد افراد جامعه نسبت به عملکرد کلیه‌ی نهادهای سیاسی حکومت است. این شاخص میزان اعتماد افراد را نسبت به کلیه‌ی نهادهای سیاسی حاکم می‌سنجد. برخی نهادهای سیاسی شامل دولت، پارلمان، قوه قضائیه، احزاب، نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداری‌ها، صداوسیما و کلیه‌ی سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه‌ی آنها هستند.

کنشگران سیاسی: به معنی اطمینان افراد جامعه به کنشگران سیاسی حکومت، تصمیم‌سازان، مجریان و به‌طورکلی کلیه‌ی اشخاص حقیقی سیاسی است. این شاخص دارای مصادیقی همچون رهبر یا رهبران سیاسی، رئیس‌جمهور، روسا، وزرا، نمایندگان مجلس، فرماندهان و... است (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۱۲). سریع‌القلم یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، ایران را بی‌اعتمادی شدید افراد نسبت به یکدیگر و به تبع آن به‌نظام سیاسی می‌داند و ریشه‌های این فرهنگ سیاسی را در نظام عشیره‌ای گذشته جستجو می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۱۱۸). حلقه مفقوده یا میانجی تبیین‌گر وضعیت مشروعیت در نظام‌های سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان به‌ویژه جوانان است. مشارکت سیاسی افراد از انگیزه‌های مختلفی می‌تواند نشأت بگیرد. گاهی این مشارکت خصلت مسئولانه دارد که حاکی از علاقه و تعهد افراد نسبت به‌نظام سیاسی است. گاهی خصلت قدرت‌طلبانه پیدا می‌کند و باهدف کسب قدرت برای خود یا سلب قدرت از دیگری انجام می‌گیرد و گاهی خصلت فایده‌جویانه می‌یابد و باهدف کسب فایده یا دفع ضرر انجام می‌گیرد و گاهی نیز جنبه‌ی هنجاری دارد و ناشی از فشار اجتماعی است.

بوردیو معتقد است که ارزش‌های ارتباطی یک فرد یا حجم سرمایه اجتماعی یک عامل به تعداد ارتباطات فعال شده و حجم سرمایه فرهنگی، اقتصادی هر ارتباط بستگی دارد و برای نمایش تعامل

بین ارتباطات و سرمایه مالی و فرهنگی، اعضای حرفه‌هایی مانند پزشکان و وکلا را مثال می‌زنند که با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی (ارتباطات، مقبولیت و اقدام) اعتماد و اطمینان مشتریان را یک سطح بالای جامعه به دست می‌آورند (ادریسی و دیگران، ۱۳۹۸).

از این روی مشارکت سیاسی در این پژوهش بر اساس سه بعد بررسی و سنجیده می‌شود:

مشارکت حزبی و مدنی: این مشارکت از طریق هواداری، همکاری و عضویت افراد در احزاب و گروه‌های سیاسی و انجمن‌های صنفی صورت می‌گیرد.

مشارکت انتخاباتی: این مشارکت از طریق شرکت افراد در انتخابات سراسری و محلی و انتخاب و رأی‌دهی انجام می‌شود.

مشارکت خودانگیخته: این مشارکت از طریق شرکت فعالانه و خودجوش افراد در گفت‌وگوهای سیاسی درون گروه‌های اولیه مثل خانواده، دوستان، همکاران و... و یا تعقیب اهداف سیاسی به صورت انفرادی انجام می‌گیرد. امروزه نظام‌های سیاسی دموکراتیک، بر پایه‌ی اعتماد عمومی و اراده مردم استوار هستند و استمرار قدرت حکومت‌ها وابسته به مشارکت و دخالت مردم در سیاست است. مشارکت سیاسی مردم رابطه‌ی مستقیمی با اعتماد مردم به نظام سیاسی دارد و مردم با شرکت در انتخابات و همه‌پرسی‌ها حساسیت خود را به جریان‌ات و امور کشور و میزان علاقه به نظام سیاسی نشان می‌دهند (خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۶). درواقع مشارکت سیاسی شهروندان، مشروعیت نظام سیاسی را به همراه دارد و انتخابات، مهم‌ترین ابزار تحقق آن است (راوندی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۳). بالعکس، عدم مشارکت بیانگر نوعی شکاف و واگرایی میان مردم و حاکمیت سیاسی است. این شکاف باعث می‌شود اعتماد میان مردم و حاکمیت سلب گردد و مردم در فرآیند سیاسی شرکت نکنند؛ بنابراین سیاست و قدرت در چنین جوامعی با بن‌بست جدی مواجه می‌شود (مرشدی زاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۴). درنتیجه عملکرد ضعیف یک حکومت، ظهور بحران اعتماد و مشارکت و درنتیجه بحران مشروعیتش را سبب می‌شود و پیروی شهروندان نسبت به چنین حکومتی را از اساس مورد تردید قرار می‌دهد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲). از این روی کاهش مشارکت سیاسی به عنوان زنگ خطر بحران مشروعیت برای حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی و رأی مردم محسوب می‌گردد (راوندی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۴). مایرون وینر^۱ دانشمند مشهور علوم سیاسی آمریکایی و محقق مشهور حوزه آسیا مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه‌ی موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، دوره‌ای یا

1 . Myron Weiner

مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (کمالی و داوودی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). هانتینگتون و نلسون^۱ نیز مشارکت سیاسی را متغیری هم در تأمین مشروعیت و اعتماد سیاسی می‌دانند. این دو فیلسوف سیاسی مشارکت سیاسی را کوشش شهروندان غیردولتی به منظور تأثیر نهادن بر سیاست‌های عمومی است. در دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی آمده است که: مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه‌ی انحصاری جامعه، در انتخاب رهبران، شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (نوربخش، ۱۳۹۷: ۳۷). سید امامی نیز مشارکت سیاسی را آن دسته از کنش‌های شهروندان که باهدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی و فضای سیاسی کلی کشور صورت می‌گیرد، ذکر کرده است (سید امامی، ۱۳۹۱: ۶۲).

۳- چارچوب نظری

قدرت سیاسی همواره برای این‌که توجیه و اطاعت شود، بایستی در نگاه مردم از یک منبع معتبر (مشروع) سرچشمه بگیرد. مشروعیت سیاسی به دلیل نقشی که در شکل‌گیری و پایداری نظم سیاسی ایفا می‌کند، از مهم‌ترین مباحث دانشگاهی علم سیاست محسوب می‌گردد. بالا بودن سطح مشروعیت سیاسی بدین معنی است که از دید شهروندان، آن نظام سیاسی معتبر و لایق حکومت کردن است. در مقابل، پایین بودن سطح مشروعیت نظام سیاسی به معنی سست بودن بنیان‌ها و پایین بودن احتمال ادامه‌ی حیات آن نظام سیاسی است چراکه حکومت‌های نامشروع فقط از راه اعمال زور و خشونت زیست می‌کنند و به این دلیل دیر یا زود توسط شهروندان با حکومتی جدید جایگزین می‌گردند.

تداوم مشروعیت یک نظام سیاسی وابسته به تلقی مردم از عملکرد حکومت در طول زمان است زیرا که حفظ مشروعیت به رضایتمندی مردم آن جامعه گره‌خورده است و سنجش میزان رضایت شهروندان، در چگونگی و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها هویدا می‌گردد و هم‌زمان نتیجه‌ای ملموس و قابل اندازه‌گیری از میزان اعتماد مردم به نظام سیاسی به دست می‌دهد؛ زیرا مشارکت سیاسی نتیجه‌ی احساس تعلق سیاسی و هم عامل استقرار، حفظ مشروعیت و تضمین بقای آن‌هاست. بدین ترتیب میزان مشارکت سیاسی به عنوان یک عامل و نماد بسیار مهم برای سنجش میزان مشروعیت و اعتبار نظام سیاسی تلقی گردیده و آمارهای مربوط به این حوزه برای تحلیلگران سیاسی حائز اهمیت اساسی

1 . Samuel P. Huntington and Joan M. Nelson

است. چراکه کاهش یا افزایش میزان مشارکت سیاسی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم حامل پیام و پیامدهای زیادی برای سیستم سیاسی است و جلوه‌ی بارز میزان اعتماد شهروندان به نظام سیاسی، نهادها و سیاستمداران آن کشور محسوب می‌گردد. از این روی حساسیت حکومت‌ها بر روی کاهش یا افزایش میزان اعتماد و مشارکت سیاسی، به دلیل تأثیری که در میان‌مدت و بلندمدت بر میزان مشروعیت نظام سیاسی دارد، بسیار مهم محسوب می‌شود.

پ- روش‌شناسی

این نوشتار به منظور پاسخگویی به دو پرسش تنظیم شده است:

۱- از دیدگاه جوانان شهر مشهد رابطه مشروعیت سیاسی با اعتماد سیاسی چگونه است؟

۲- از دیدگاه جوانان شهر مشهد رابطه مشروعیت سیاسی با مشارکت سیاسی چگونه است؟

به این منظور در قالب روش پیمایش درباره مشروعیت سیاسی متأثر از اعتماد و مشارکت سیاسی نظرخواهی شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله‌ی شهر مشهد تشکیل می‌دهند که مجموع جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله‌ی شهر مشهد اعم از زن و مرد طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۷۵۳۸۶۷ نفر می‌باشند. در بخش نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای جوانان انتخاب و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع شد. بدین منظور محقق در مرحله اول اقدام به خوشه‌بندی مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد در شهر مشهد نموده است. در مرحله بعد نمونه‌گیری در داخل خوشه‌ها و نیز بر اساس تخصیص متناسب با اندازه - جنسیت - انجام شده است. در داخل خوشه‌ها، بلوک‌های هریک از خوشه‌ها مشخص و از میان خوشه‌ها به صورت تصادفی از جوانان به عنوان نمونه به کار گرفته شد. تعداد نمونه‌های پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردیده است. در مرحله بعد، خیابان‌ها و میدان‌های اصلی هر منطقه از شهر، در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد. پاسخگویان به روش تصادفی ساده (به نحوی که هریک از افراد جامعه آماری، دارای شانس مساوی برای انتخاب شدن باشند)، از طریق دستیابی به نمونه‌های در دسترس، انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه ترکیبی محقق ساخته استفاده شد. اعتبار پرسشنامه، به شیوه‌ای انواع تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. داده‌ها با نسخه ۲۲ نرم‌افزار SPSS و نسخه ۲۳ نرم‌افزار AMOS تجزیه و تحلیل شد.

۱- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

۱-۱- اعتماد سیاسی (متغیر مستقل)

آنچه در این پژوهش موردنظر است، مفهوم اعتماد سیاسی در نظریه‌ی بریتزر است که هر سه جزء تشکیل‌دهنده‌ی یک حکومت را به‌عنوان یک ساختار سیاسی کامل و فراگیر پوشش می‌دهد. بریتزر اعتماد سیاسی را نگرش حامیانه و مثبت مردم نسبت به اجتماع سیاسی (نظام سیاسی)، نهادها—ای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه می‌داند (کمالی و داوودی، ۱۳۹۵: ۳۷).

۱-۲- مشارکت سیاسی (متغیر مستقل)

یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق، مشارکت سیاسی است که برای تعریف آن در این تحقیق، از نظریه لستر میلبراث^۱ استفاده شده است. میلبراث، مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف، حیطه‌ی عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یکسو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (حبیب پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۲).

۱-۳- مشروعیت سیاسی (متغیر وابسته):

مشروعیت سیاسی به معنای پذیرش عاطفی و عقلانی قواعد اساسی قدرت از جانب شهروندان است (یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

جدول شماره ۱- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	نام متغیر	ابعاد	تعریف عملیاتی متغیر
۱	مشروعیت سیاسی	تعلق سیاسی	ابراز علاقه و وفاداری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران
		تعهد سیاسی	احساس وظیفه نسبت به سرنوشت نظام جمهوری اسلامی و آمادگی برای حمایت از آن
		حقانیت سیاسی	باور به حقانیت دینی قانون اساسی
		نفع عمومی قواعد	باور به تحقق نفع عمومی (حقوق شهروندی) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

1 . Lester Walter Milbrath

ادامه جدول شماره ۱- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	نام متغیر	ابعاد	تعریف عملیاتی متغیر
۲	اعتماد سیاسی	اعتماد به نهادهای سیاسی	به معنی اعتماد افراد جامعه نسبت به عملکرد کلیه نهادهای سیاسی حکومت مثل دولت، پارلمان، قوه قضائیه، احزاب، نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداری‌ها، صداوسیما و ...
		اعتماد به کنشگران سیاسی	به معنی اطمینان افراد جامعه به کنشگران سیاسی حکومت، تصمیم‌سازان، مجریان و به‌طورکلی کلیه اشخاص حقیقی سیاسی همچون رهبر یا رهبران سیاسی، رئیس‌جمهور، رؤسا، وزرا، نمایندگان مجلس، فرماندهان و ...
		اعتماد به نظام سیاسی	به معنی اعتقاد، اعتماد و حمایت افراد یک جامعه از اصل نظام سیاسی مثل رضایت از عملکرد کلی حکومت، شیوهی اجرای دموکراسی یا قانون اساسی، حمایت مردم از نظام در مواقعی که موجودیت آن به خطر می‌افتد و ...
۳	مشارکت سیاسی	مشارکت حزبی	هواداری، همکاری و عضویت در گروه‌ها و احزاب سیاسی و یا انجمن‌های صنفی
		مشارکت انتخاباتی	شرکت در انتخابات سراسری مثل انتخابات مجلس و ریاست جمهوری
		مشارکت خودانگیخته	شرکت در بحث و گفتگوهای سیاسی و پیگیری اطلاعات و اخبار سیاسی کشور

(منبع: محقق ساخته)

۱-۴- روایی و پایایی ابزار پژوهش

ضرایب خلاصه‌شده مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش حاکی از آن است که کلیه شاخص‌های برآمده از سازه‌های مورد استفاده در پژوهش در سطح مطلوب و قابل قبول گزارش گردیده‌اند.

جدول شماره ۲- خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی واگرا AVE > MSV	روایی همگرا	تحلیل عاملی تأییدی		
				پیشینه	کمینه	
۰/۹۰۱	۰/۹۰۶	۰/۶۶۲ > ۰/۲۷۲	۰/۶۶۲	۰/۹۴	۰/۷۳	عملکرد مجلس شورای اسلامی
۰/۸۸۹	۰/۹۰۲	۰/۶۴۹ > ۰/۲۴۸	۰/۶۴۹	۰/۸۵	۰/۷۸	عملکرد قوه قضائیه
۰/۷۶۳	۰/۷۶۰	۰/۵۱۵ > ۰/۲۲۲	۰/۵۱۵	۰/۷۸	۰/۶۶	مشارکت انتخاباتی
۰/۹۲۴	۰/۹۲۶	۰/۶۱۳ > ۰/۱۴۲	۰/۶۱۳	۰/۸۹	۰/۶۶	اعتماد به سیستم سیاسی
۰/۹۲۱	۰/۹۲۳	۰/۷۰۶ > ۰/۲۷۲	۰/۷۰۶	۰/۸۷	۰/۷۶	عملکرد دولت
۰/۸۴۴	۰/۸۴۷	۰/۵۲۹ > ۰/۱۹۴	۰/۵۲۹	۰/۸۹	۰/۶۳	عملکرد صداوسیما
۰/۸۵۳	۰/۸۵۲	۰/۵۹۰ > ۰/۲۸۴	۰/۵۹۰	۰/۷۸	۰/۷۶	مشارکت خودانگیخته
۰/۸۹۱	۰/۸۹۴	۰/۵۹۴ > ۰/۴۸۵	۰/۵۹۴	۰/۹۲	۰/۵۴	تعلق سیاسی
۰/۹۴۴	۰/۹۴۷	۰/۶۴۰ > ۰/۱۹۳	۰/۶۴۰	۰/۸۹	۰/۷۴	اعتماد به حکومت‌کنندگان و زمامداران
۰/۹۰۱	۰/۹۰۳	۰/۷۰۰ > ۰/۴۴۵	۰/۷۰۰	۰/۸۵	۰/۸۲	تعهد سیاسی
۰/۸۹۹	۰/۹۰۲	۰/۶۹۹ > ۰/۴۸۵	۰/۶۹۹	۰/۹۰	۰/۷۶	حقانیت سیاسی
۰/۹۱۱	۰/۹۱۴	۰/۷۲۶ > ۰/۴۴۹	۰/۷۲۶	۰/۸۸	۰/۸۳	نفع عمومی قواعد
۰/۸۲۲	۰/۸۲۵	۰/۶۱۱ > ۰/۲۸۴	۰/۶۱۱	۰/۸۱	۰/۷۳	مشارکت حزبی
ضرایب برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی: شاخص برازش تطبیقی (CFI): ۰/۹۳۲؛ شاخص توکر لویس (TLI): ۰/۹۲۷؛ ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA): ۰/۰۴۰؛ کای اسکور بهنجار شده (CMIN/df): ۱/۶۰۶						

(منبع: محقق ساخته)

نکته: تحلیل عاملی تأییدی به صورت تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول گزارش گردیده است. روایی واگرا در این پژوهش از برآورد بزرگ‌تر بودن مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده^۱ از حداکثر واریانس مشترک^۲ برآورد گردیده است.

۱ . Average Variance Extracted (AVE)

۲ . Maximum Shared Squared Variance (MSV)

ت- یافته‌های پژوهش

۱- یافته‌های توصیفی

به لحاظ جنسیت ۱۹۲ نفر معادل ۴۹/۵ درصد از پاسخگویان، مرد و ۵۰/۵ درصد حجم نمونه، معادل ۱۹۶ نفر از پاسخگویان، زن بودند. پاسخگویان این پژوهش از میانگین سنی ۲۴/۰۹ سال با انحراف معیار ۳/۶۹۹ برخوردار بودند. از ۳۸۸ پاسخگویی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، ۴۸ نفر در مقطع سنی ۲۹ سال قرار گرفته است که نسبت به سایر سنین، بیشترین تعداد را نشان می‌دهد و کمترین تعداد نیز در مقطع سنی ۱۸ سال به تعداد ۵ نفر تعلق یافته است. پاسخگویان این پژوهش در محدوده سنی، ۲۹-۱۵ سال قرار گرفته‌اند. همچنین از مجموع ۳۸۸ پاسخگویی که پرسشنامه‌های این پژوهش را به صورت کامل تکمیل نموده‌اند، ۴۹/۷ درصد (معادل ۱۹۳ نفر) را افراد مجرد، ۴۸/۲ درصد از آنان (معادل ۱۸۷ نفر) را متأهل و درنهایت، ۲/۱ درصد (معادل ۸ نفر) از آنان در رده ساینین قرار گرفته‌اند. از مجموع ۳۸۸ پاسخگوی این پژوهش، وضعیت شغلی خود را به این شکل بیان کرده‌اند که ۱۱۱ نفر معادل ۲۸/۶ درصد، بیکار؛ ۲۲۴ نفر معادل ۵۷/۷ درصد، شاغل (بیشترین فراوانی)؛ ۱۹ نفر معادل ۴/۹ درصد را افراد خانه‌دار (کمترین فراوانی) و درنهایت، ۳۴ نفر که معادل ۸/۸ درصد جامعه نمونه است، دانشجو بودند. در بعد تحصیلی نیز از مجموع ۳۸۸ نفر پاسخگو، ۲۷/۱ درصد دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم، ۱۴/۲ درصد دارای مدرک فوق دیپلم، ۴۱/۲ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱۳/۱ درصد دارای فوق لیسانس و ۴/۴ درصد، دارای مدرک دکتری بودند. در بخش درآمد میزان سطح درآمدی افراد مورد پرسش متناسب سطح رتبه‌ای گروه‌های درآمدی است افزایشی بوده است به این صورت که: ۲/۶ درصد از پاسخگویان، گزینه بدون درآمد را به عنوان پایین‌ترین سطح درآمدی انتخاب کرده‌اند. ۴/۹ درصد از افراد نمونه میزان درآمد خود را، «یک تا چهار میلیون تومان» عنوان کرده‌اند. گروه درآمدی «چهار تا هفت میلیون تومان» با اختلافی چشمگیری نسبت به گروه درآمدی پایین‌تر از خود، ۲۱/۴ درصد از پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. گروه درآمدی «هفت تا دوازده میلیون تومان» باز نسبت به گروه درآمدی قبلی خود اختلافی چشمگیر را نشان می‌دهد و ۳۰/۲ درصد از پاسخگویان خود را متعلق به این گروه درآمد دانسته‌اند و درنهایت گروه درآمدی «دوازده میلیون تومان و بالاتر» قرار می‌گیرد که اکثریت پاسخگویان به میزان ۴۱/۰ درصد، این گزینه را برای سطح درآمدی خود مناسب تشخیص داده‌اند. بعد دیگر مورد سنجش، طبقه

اجتماعی بود. بسیاری از افراد مورد پرسش در پاسخ به سؤال «خود را متعلق به کدام طبقه اجتماعی می‌دانید؟» به دو گروه اصلی تقسیم شده‌اند به این صورت که ۱۵۳ نفر (معادل ۳۹/۴ درصد)، خود را متعلق به طبقه اجتماعی «متوسط رو به پایین» و ۱۳۰ نفر (معادل ۳۳/۵)، خود را متعلق به طبقه اجتماعی «متوسط رو به بالا»، دانسته‌اند و تنها ۵/۲ و ۲/۳ درصد به ترتیب خود را متعلق به طبقه اجتماعی بالا یا بسیار بالا دانسته‌اند. ۱۹/۶ درصد (معادل ۷۶ پاسخگو)، طبقه اجتماعی «پایین» را برای خود انتخاب کرده‌اند. قومیت به‌عنوان آخرین داده توصیفی نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان (۳۲۶ پاسخگو از ۳۸۸ پاسخگو معادل ۸۴/۰ درصد)، در پاسخ به پرسش «خود را متعلق به کدام یک از قومیت‌ها می‌دانید؟»، گزینه «فارس» را انتخاب نموده‌اند و در رتبه‌های بعدی، قومیت‌های گُرد (۲۴ پاسخگو معادل ۶/۲ درصد) و در رتبه بعدی، آذری/ تُرک (۱۴ پاسخگو ۳/۶ درصد) در اکثریت قرار گرفته‌اند. کمترین تعداد به ترتیب متعلق به قومیت‌های بلوچ (۱ پاسخگو معادل ۰/۳ درصد)، عرب (۵ پاسخگو معادل ۱/۳ درصد) و درنهایت لُر و لَک (به‌صورت مشترک هرکدام ۹ پاسخگو معادل ۲/۳ درصد) بوده‌اند.

۲- یافته‌های استنباطی

ضرایب خلاصه شده مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش حاکی از آن است که کلیه شاخص‌های برآمده از سازه‌های مورد استفاده در پژوهش در سطح مطلوب و قابل قبول گزارش گردیده‌اند؛ و همچنین شاخص کشیدگی و چولگی نیز نشان دهنده این است که کلیه سازه‌ها از نظر توزیع نرمال در محدود قابل قبول قرار دارند.

جدول شماره ۳- خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

تحلیل عاملی تأییدی	روایی همگرا	روایی واگرا AVE > MSV	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	کشیدگی - چولگی	
کمینه	۰/۷۳	۰/۹۴	۰/۶۶۲	۰/۲۷۲ > ۰/۶۶۲	۰/۹۰۶	۰/۹۰۱
بیشینه	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۶۴۹	۰/۲۴۸ > ۰/۶۴۹	۰/۹۰۲	۰/۸۸۹
	۰/۶۶	۰/۷۸	۰/۵۱۵	۰/۲۲۲ > ۰/۵۱۵	۰/۷۶۰	۰/۷۶۳
						۰/۱۱۶ - ۰/۹۲۰
						۰/۲۶۳ - ۰/۴۶۳
						۰/۲۶۹ - ۰/۸۰۸
						عملکرد مجلس شورای اسلامی
						عملکرد قوه قضائیه
						مشارکت انتخاباتی

ادامه جدول شماره ۳- خلاصه ضرایب مربوط به روایی و پایایی ابزار پژوهش

تحلیل عاملی تأییدی	کمینه	پیشینه	روایی همگرا	روایی واگرا AVE > MSV	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	کشیدگی - چولگی
اعتماد به سیستم سیاسی	۰/۶۶	۰/۸۹	۰/۶۱۳	۰/۱۴۲ > ۰/۶۱۳	۰/۹۲۶	۰/۹۲۴	۰/۱۵۵ - ۰/۵۴۹
عملکرد دولت	۰/۷۶	۰/۸۷	۰/۷۰۶	۰/۲۷۲ > ۰/۷۰۶	۰/۹۲۳	۰/۹۲۱	۰/۵۵۸ - ۰/۰۹۱
عملکرد صدا و سیما	۰/۶۳	۰/۸۹	۰/۵۲۹	۰/۱۹۴ > ۰/۵۲۹	۰/۸۴۷	۰/۸۴۴	۰/۷۲۸ - ۰/۱۴۲
مشارکت خودانگیخته	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۵۹۰	۰/۲۸۴ > ۰/۵۹۰	۰/۸۵۲	۰/۸۵۳	۱/۱۵۱ - ۰/۲۶۳
تعلق سیاسی	۰/۵۴	۰/۹۲	۰/۵۹۴	۰/۴۸۵ > ۰/۵۹۴	۰/۸۹۴	۰/۸۹۱	۰/۵۶۲ - ۰/۰۳۴
اعتماد به حکومت‌کنندگان و زمامداران	۰/۷۴	۰/۸۹	۰/۶۴۰	۰/۱۹۳ > ۰/۶۴۰	۰/۹۴۷	۰/۹۴۴	۰/۸۸۳ - ۰/۱۴۰
تعهد سیاسی	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۷۰۰	۰/۴۴۵ > ۰/۷۰۰	۰/۹۰۳	۰/۹۰۱	۰/۳۷۳ - ۰/۵۳۸
حقانیت سیاسی	۰/۷۶	۰/۹۰	۰/۶۹۹	۰/۴۸۵ > ۰/۶۹۹	۰/۹۰۲	۰/۸۹۹	۰/۵۸۶ - ۰/۰۱۶
نفع عمومی قواعد	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۷۲۶	۰/۴۴۹ > ۰/۷۲۶	۰/۹۱۴	۰/۹۱۱	۰/۴۰۴ - ۰/۰۴۷
مشارکت حزبی	۰/۷۳	۰/۸۱	۰/۶۱۱	۰/۲۸۴ > ۰/۶۱۱	۰/۸۲۵	۰/۸۲۲	۰/۸۶۷ - ۰/۱۹۶
ضرایب برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی: شاخص برازش تطبیقی (CFI): ۰/۹۳۲؛ شاخص توکر لویس (TLI): ۰/۹۲۷؛ ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA): ۰/۰۴۰؛ کای اسکور بهنجار شده (CMIN/df): ۱/۶۰۶							

(منبع: محقق ساخته)

نکته: تحلیل عاملی تأییدی به صورت تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول گزارش گردیده است. روایی واگرا در این پژوهش از برآورد بزرگ‌تر بودن مقدار میانگین واریانس استخراج شده^۱ از حداکثر واریانس مشترک^۲ برآورد گردیده است.

۱ . Average Variance Extracted (AVE)

۲ . Maximum Shared Squared Variance (MSV)

۲-۱- ماتریس همبستگی بین متغیرها

جدول شماره ۴- ماتریس همبستگی چندگانه بین مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							-	مشروعیت سیاسی
						-	۰/۳۵۵**	مشارکت خودانگیخته
					-	۰/۳۸۷**	۰/۲۴۹**	مشارکت انتخابی
				-	۰/۳۳۸**	۰/۴۴۹**	۰/۳۱۴**	مشارکت حزبی
			-	۰/۷۷۴**	۰/۶۹۳**	۰/۸۳۶**	۰/۴۰۲**	مشارکت سیاسی کل
		-	۰/۳۱۱**	۰/۲۶۷**	۰/۲۰۶**	۰/۲۴۲**	۰/۳۲۲**	اعتماد به نهادهای سیاسی
	-	۰/۵۳۲**	۰/۳۴۰**	۰/۳۰۹**	۰/۲۴۵**	۰/۲۳۸**	۰/۲۷۱**	اعتماد به کنشگران سیاسی
-	۰/۳۰۶**	۰/۴۴۹**	۰/۲۷۶**	۰/۲۱۱**	۰/۱۴۳**	۰/۲۶۴**	۰/۲۳۸**	اعتماد به نظام سیاسی
۰/۶۲۳**	۰/۷۷۸**	۰/۹۱۶**	۰/۳۸۴**	۰/۳۳۰**	۰/۲۵۳**	۰/۳۰۰**	۰/۳۵۵**	اعتماد سیاسی کل

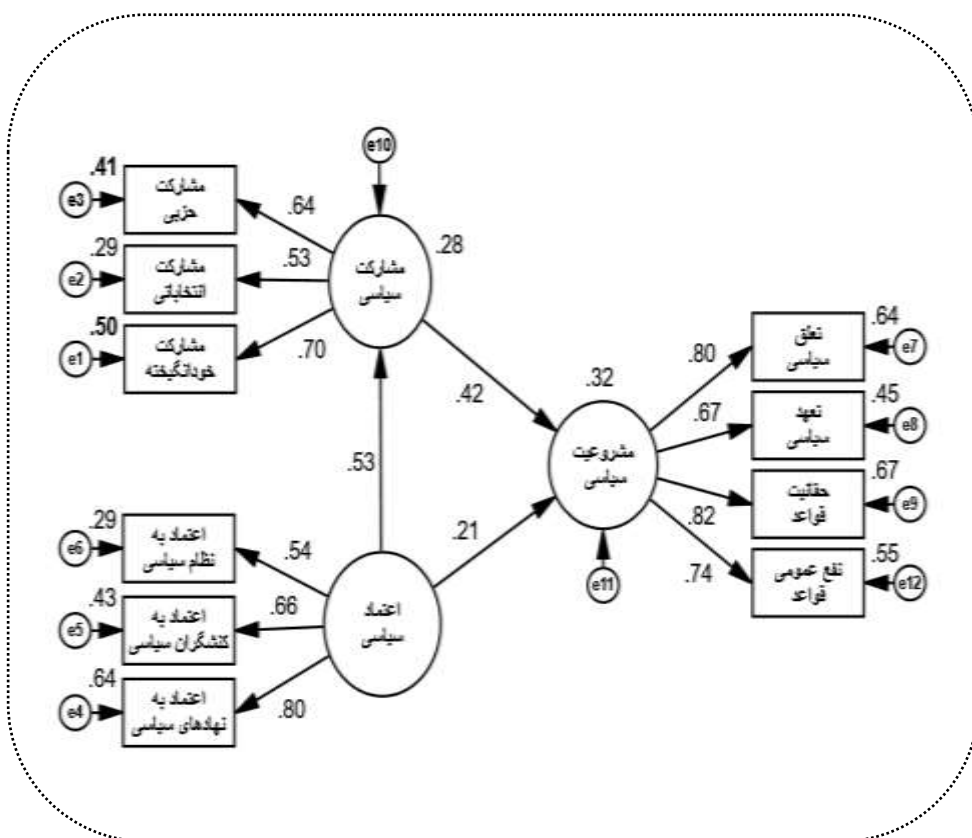
(منبع: محقق ساخته)

نکته: * سطح معناداری $\geq ۰/۰۵$ ؛ ** سطح معناداری $\geq ۰/۰۱$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بین زیر مؤلفه‌های مشارکت سیاسی کل و زیر مؤلفه‌های اعتماد سیاسی کل با نمره مشروعیت سیاسی رابطه معنادار و مثبت گزارش گردیده است؛ به عبارت دیگر، با افزایش مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی سطوح مشروعیت سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس با کاهش مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی از میزان مشروعیت سیاسی کاسته خواهد شد.

۲-۲- روابط علی بین اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی و مشروعیت سیاسی

به‌منظور تشریح روابط مستقیم و غیرمستقیم مطروحه بین اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی و مشروعیت سیاسی در مرحله اول مدل معادلات ساختاری گزارش گردیده است.



شکل شماره ۱- مدل استاندارد تأثیر اعتماد سیاسی بر مشروعیت سیاسی با میانجیگری مشارکت سیاسی

(منبع: محقق ساخته)

همان طور که در مدل معادلات ساختاری شکل شماره (۱)، مشاهده می‌شود، اعتماد سیاسی با میانجیگری مشارکت سیاسی قادر است ۳۲ درصد از واریانس مشروعیت سیاسی را تبیین نمایند. همچنین اعتماد سیاسی می‌تواند ۲۸ درصد از واریانس مشارکت سیاسی را تبیین نماید.

همان طور که خلاصه ضرایب مستقیم نشان می‌دهد، اعتماد سیاسی (ضریب بتا: ۰/۲۱۰) و مشارکت سیاسی (ضریب بتا: ۰/۴۲۴)، تأثیر معنادار و مستقیمی بر مشروعیت سیاسی دارند. در بعدی دیگر، اعتماد سیاسی (ضریب بتا: ۰/۵۳۱) تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی دارد و از سوی دیگر به صورت غیرمستقیم بر مشروعیت سیاسی (ضریب بتا: ۰/۲۲۵) تأثیرگذار است.

جدول شماره ۵- ضرایب مستقیم و غیرمستقیم اعتماد سیاسی بر مشروعیت سیاسی

	ضرایب غیرمستقیم		ضرایب مستقیم		
	ضریب بتا	ضریب غیراستاندارد	ضریب بتا	ضریب غیراستاندارد	
اعتماد سیاسی	۰/۲۲۵**	۰/۱۱۳	۰/۲۱۰*	۰/۱۰۶	مشروعیت سیاسی
مشارکت سیاسی	-	-	۰/۴۲۴**	۰/۴۲۰	مشروعیت سیاسی
ضریب تعیین مدل مشروعیت سیاسی					
اعتماد سیاسی	-	-	۰/۵۳۱**	۰/۲۷۰	مشارکت سیاسی
ضریب تعیین مدل مشارکت سیاسی					
ضرایب برازش مدل: شاخص نیکویی برازش (GFI): ۰/۹۶۹؛ شاخص برازش هنجار شده (NFI): ۰/۹۴۷؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI): ۰/۹۷۲؛ شاخص برازش افزایشی (IFI): ۰/۹۷۳؛ ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA): ۰/۰۵۱؛ کای اسکور بهنجار شده (CMIN/df): ۲/۰۱۱					

(منبع: محقق ساخته)

نتیجه‌گیری

مشروعیت سیاسی در فرایندی نقادانه^۱ با اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی چرخشی مفهومی را در فضای کنشگری سیاسی تبیین می‌کنند. مقوله‌هایی مهم که حال به نظر می‌رسد بر اساس تحلیل شرایط سیاسی جامعه معاصر ایران تبدیل به مسئله^۲ شده‌اند. زمانی که شهروندان به حکومت خود اعتماد دارند، در حقیقت بر این باورند که این نظام سیاسی توقعات و نیازهای آن‌ها را می‌شناسد و در راستای کسب منافع آن‌ها عمل می‌کند و می‌تواند به‌طور مؤثر بر چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها پیروز شود. از سویی دیگر وجود مشروعیت برای حفظ نظم، ثبات و تداوم حیات یک نظام سیاسی ضروری است زیرا این عامل مبنای اخلاقی و قانونی را برای اعمال اقتدار حکومت فراهم می‌کند و موجب حضور شهروندان در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌گردد. دراین‌بین اهمیت مشارکت سیاسی از آن‌روست که علاوه بر کمک به تحقق دموکراسی، تضمین می‌کند که

1 . critical
2 . problem

شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری حضور دارند و با انتخاب نخبگان سیاسی مدنظر خود، بر فرآیندهای تصمیم‌گیری اثر واقعی می‌گذارند. بدین ترتیب میزان مشارکت سیاسی نشان‌دهنده‌ی میزان اعتماد شهروندان به کنشگران، نهادها و اصل نظام سیاسی است.

نتایج بررسی فرضیه «بین مشروعیت سیاسی با اعتماد سیاسی جوانان شهر مشهد رابطه معنادار وجود دارد» نشان می‌دهد که بین این دو متغیر مهم در عالم سیاست رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. نتایج گواه این مدعا بود که سطوح بالای اعتماد سیاسی به مشروعیت سیاسی و ارتقا در میان جوانان شهر مشهد کمک می‌کند. هنگامی که جوانان به حکومت و سیاستمداران خود اعتماد دارند، احتمال بیشتری دارد که آن‌ها را مشروع دانسته و اقتدار آن‌ها را بپذیرند چراکه اعتماد، حس همکاری و انسجام اجتماعی را تقویت نموده و متعاقب آن مشروعیت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. داده‌های این بخش از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کرامت و علی‌پور (۱۳۹۹)، افتخاری و همکاران (۱۳۹۸)، حسینی (۱۳۹۷)، پترارکا و وسلز^۱ (۲۰۲۲)، کوئن و کاتسایتیس^۲ (۲۰۲۱)، دانیل براون^۳ (۲۰۱۱) هم‌راستا است. اندیشمندانی نظیر وارن، لیپست و اشنايدر و سیرین نیز پیرو نتایج پژوهش در رابطه اعتماد سیاسی با مسائل مختلف سیاسی از جمله مشروعیت سیاسی، بر اصل تمایل مردم برای پیروی از رهبران سیاسی در یک جامعه و اعتماد به حاکمیت تأکید نموده‌اند. این تعاریف بدان معنی است که این دسته از دانشمندان اعتماد سیاسی را محدود به عملکرد حاکمان یا رضایت مردم از رهبران سیاسی می‌دانند (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۴۰). همچنین آنتونی گیدنز^۴ در نظریه‌های حوزه سیاسی خود معتقد است که حکومت‌های مدرن جهت کسب و نگهداشت مشروعیت به رشته پیچیده‌ای از روابط اعتمادمحور میان رهبران سیاسی و عامه مردم وابسته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

نتایج بررسی فرضیه «بین مشروعیت سیاسی با مشارکت سیاسی جوانان شهر مشهد رابطه معنادار وجود دارد» نیز نشان می‌دهد که بین این دو متغیر مهم در عالم سیاست رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. در این رابطه یکی از پایه‌های اساسی ارتقا مشروعیت سیاسی مشارکت سیاسی آحاد مردم به‌ویژه جوانان در امور سیاسی و حکمرانی سیاسی است. به این معنا، مشارکت سیاسی می‌تواند به‌عنوان میانجی در رابطه بین اعتماد سیاسی و مشروعیت سیاسی عمل کند. یافته‌های این بخش از مقاله با

1 . Constanza Sanhueza Petrarca and Heiko Giebler and Bernhard Weßels

2 . David Coen & Alexander Katsaitis

3 . Braun, Daniela

4 . Anthony Giddens

نتایج پژوهش‌های وهاب‌زاده (۱۴۰۱)، یزدانی (۱۳۹۹)، آموسی^۱ (۲۰۲۲) و هانگوی یانگ و جین ده‌هارت^۲ (۲۰۱۶) هم‌راستا است. ازجمله تئوری‌های پشتیبان نتایج فوق می‌توان به نظریه‌های مایرون وینر^۳، میلبراث^۴، لیپست^۵ اشاره نمود. مایرون وینر مشارکت سیاسی را روشی مشروع جهت اثرگذاری سیاسی، انتخاب رهبران، سیاست‌های عمومی و درنهایت تأمین مشروعیت سیاسی می‌داند. میلبراث نیز به نحوی راه کسب مشروعیت سیاسی را اثرگذاری بر نحوه حکمرانی و تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی می‌داند (امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). همچنین لیپست مشروعیت سیاسی را توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور می‌داند که نهادهای سیاسی موجود برای جامعه مناسب‌ترین است و کسب اعتماد سیاسی به نحوی مشروعیت سیاسی را تأمین می‌کند (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۵۰). در پایان می‌توان گفت بر اساس داده‌های پژوهش حاضر وقتی جوانان شهر مشهد فعالانه در فرآیندهای سیاسی شرکت داده شوند، ترجیحات خود را بیان و اعمال نمایند و اگر این انتخابات‌ها منجر به کاهش مشکلات و رفع دل‌مشغولی‌های جوانان گردد درنهایت منجر به افزایش اعتماد و حفظ مشروعیت نظام سیاسی در میان آنان می‌شود. در جامعه‌ای که در آن اعتماد بین شهروندان و دولت آن‌ها به‌طور مطلوب بالا باشد. این اعتماد صرفاً در سطح قرار نخواهد داشت، بلکه عمیقاً در ارائه مداوم خدمات عمومی، فرآیندهای تصمیم‌گیری شفاف و پاسخگویی به نیازها و نگرانی‌های مردم نمود می‌یابد. به‌تبع، جوانان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر نیز نسبت به توانایی دولت برای اقدام در راستای منافع خود اطمینان داشته و چنین تجارب سیاسی باعث می‌شود که اقدامات نظام سیاسی را مشروع و مستحق حمایت خود بدانند. این شالوده اعتماد نیرومند، بستر مشروعیت سیاسی را تشکیل می‌دهد و مبنای اخلاقی و قانونی را برای اقتدار دولت فراهم می‌کند. بااین‌حال، رابطه بین اعتماد سیاسی و مشروعیت مطابق با یافته‌های این پژوهش همواره مستقیم نخواهد بود؛ بلکه تحت تأثیر مشارکت فعال شهروندان در روند سیاسی قرار دارد. مشارکت سیاسی به‌عنوان میانجی بین اعتماد سیاسی و مشروعیت نظام عمل می‌کند و به شهروندان این امکان را می‌دهد تا از حقوق دموکراتیک خود استفاده کنند و بر حکمرانی سیاسی جامعه تأثیر بگذارند.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از رویکرد پیمایشی برای بررسی رابطه پیچیده بین اعتماد سیاسی،

1 . Ruth Amossy

2 . Yang, H. C., & DeHart, J. L.

3 . Myron Weiner

4 . Lester Walter Milbrath

5 . Seymour Martin Lipset

مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی استفاده نموده است، می‌بایست به محدودیت‌های این پژوهش نیز اشاره نمود. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر را می‌توان به سوگیری نمونه‌گیری مرتبط دانست، جایی که گروه‌های جمعیتی خاص ممکن است کمتر در نمونه بازنمایی شده باشند و یا در موارد حادث‌تر از نمونه پژوهش حذف و یا نتایج را منحرف کنند. علاوه بر این، پاسخ‌دهندگان پژوهش حاضر ممکن است دچار سوگیری ناشی از مطلوبیت اجتماعی شده باشند و پاسخ‌هایی را که از نظر اجتماعی مطلوب می‌دانند به جای منعکس‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای واقعی خود ارائه می‌دهند. این رویه می‌تواند یافته‌های پژوهش حاضر را مخدوش و منجر به نتیجه‌گیری‌های نادرست در مورد پویایی بین اعتماد، مشروعیت و مشارکت شود. محدودیت مهم دیگر پژوهش حاضر به خطای اندازه‌گیری مرتبط است، زیرا سؤالات پیمایشی که مفاهیم سیاسی را ارزیابی نموده‌اند ممکن است از ابهام برخوردار باشند و جنبه‌های معنای مفاهیم نظری را به‌درستی بازنمایی نکنند. از سویی دیگر، پیمایش حاضر از محدودیت‌های زمانی نیز برخوردار است، زیرا پیمایش در ماهیت خود تصویری آنی از نگرش‌ها و رفتارها را در یک لحظه خاص ثبت می‌کند و این رویکرد به‌طور بالقوه قادر به ثبت پویایی‌های سیاسی در حال تحول در طول زمان نیستند. علاوه بر این، ایجاد علیت بین اعتماد سیاسی، مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی پدیده‌ای چالش‌برانگیز است، زیرا پیمایش در اصل تنها قادر است همبستگی بین متغیرهای مذکور را شناسایی کند و درک روابط علی نیازمند به‌کارگیری پزل‌های طولی است. در آخر می‌توان گفت پژوهش حاضر دست‌کم در کمترین کارکرد خود حساسیتی نظری و علمی را برای حکمرانان سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد کرده تا شاید بتواند راه‌گشایی هرچند کوچک در سیاست‌گذاری‌های آینده باشد.

منابع

الف- منابع فارسی

- ابراهیمی، قربانعلی؛ بابازاده بانی، علی و کتابی، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل)»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۴: ۶۳-

- ادریسی افسانه، محمد ابراهیم همتی و ابوالفضل ذوالفقاری (۱۳۹۸) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به فرهنگ دموکراتیک (مورد مطالعه شهروندان شهرستان سمنان)»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر؛ غلامعلیان، امیر و طاهری، سلیمان (۱۳۹۸)، «تأثیرات جنگ نرم غرب بر مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک*، سال هفدهم، شماره ۸۷: ۱۵۹-۱۷۸.
- امینی، علی اکبر و خسروی، محمدعلی (۱۳۸۹)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۲(۷)، ۱۲۷-۱۴۲.
- بیتهام، دیوید (۱۳۸۲)، *مشروع سازی قدرت*، ترجمه محمد عابدی اردکانی، چاپ اول، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۳)، «فرآیند مشروعیت‌یابی در نظام جمهوری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۷، شماره ۲۶: ۷۱۹-۷۴۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۸)، *زیست جنبش: این جنبش یک جنبش نیست*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- حبیب پور گنتابی، کرم و موسوی خورشیدی، سید حمیدرضا (۱۳۹۵)، «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۲)، ۳۵۹-۳۹۲.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۷)، «تأملی بر مبانی مشروعیت نظام سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۸، شماره ۲: ۳۲۷-۳۴۶.

- حیدری، سیامک (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی به حکومت (در بین جوانان دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خانباشی، محمد و زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۰)، «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)»، نشریه دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۵، شماره ۴: ۷۳-۹۵.
- دوست محمدی، حسین و اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۸)، «توسعه سیاسی؛ بحران مشروعیت و کارآمدی در ایران و حکمرانی خوب»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۳، شماره ۱۰: ۹۱-۱۲۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، جلد ۱۸، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راش، مایکل (۱۳۹۰)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- روسو، ژان ژاک (۱۳۶۶)، قرارداد/جامعه، ترجمه منوچهر کیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنجینه.
- زنگنه قاسم‌آبادی، زهرا (۱۳۹۴)، «بررسی مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۴ بر اساس الگوی ماکس وبر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، به راهنمایی محمد عابدی اردکانی، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یزد.
- سردارنیا، خلیل‌الله و بدری، کورش (۱۴۰۰)، «سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی: مطالعه موردی کرمانشاه»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم، شماره ۴، دوره ۱۹: ۸۹-۱۱۲.

- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر فرزاد روز.
- سید امامی، کاووس و منتظری مقدم، رضا (۱۳۹۱)، «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی»، *نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۷، شماره ۴: ۱۸۹-۲۱۶.
- شادلو، عباس و کرم پور، رزا (۱۳۹۴)، «تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال سوم، شماره ۹: ۱۴۱-۱۵۹.
- شایگان، فریا (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال ۴، شماره ۱: ۱۷۹-۱۵۳.
- صادقیان هاجر؛ مسعودنیا حسین، نساج حمید و رهبرقاضی محمود رضا (۱۴۰۰) «تبیین رابطه احساس محرومیت نسبی با رضایت‌مندی سیاسی (مورد مطالعه جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن شهر اصفهان)»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*.
- عبدالحسین زاده، شراره؛ حسینی، علی و بهرامی، سیامک (۱۴۰۲)، «سنجش کارآمدی سیاسی در دولت روحانی بر اساس شاخص‌های حاکمیت قانون و مشروعیت قوه مجریه، سیاست پژوهی اسلامی-ایرانی»، سال ۲، شماره ۱: ۸۲-۶۱.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۷)، «مفهوم مشارکت سیاسی»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*، سال ۱، شماره ۱: ۶۹-۳۸.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۰)، *دین و دولت در عصر مدرن*، جلد ۲، تهران: انتشارات رخداد نو.

- قاندى، محمدرضا (۱۳۹۸)، «ارزیابی مشارکت سیاسی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در جوامع شهری مطالعه موردی: شهر لامرد، استان فارس»، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۹، شماره پیاپی ۳۶: ۱۱۸-۱۰۷.
- کامل‌السعيد، مصطفى و مارتین، لی نور جی (۱۳۸۳)، «مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی: چهره جدید امنیت در خاورمیانه»، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرامت، فرهاد و علی پور، حسین (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه*، شماره ۲۸: ۲۲۳-۲۳۶.
- کمالی دلجو، دانیال و داوودی، علی اصغر (۱۳۹۵)، «سنجش تأثیر فساد مالی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- لیست، سیمور (۱۳۸۳)، *دائرة المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران قانی و دیگران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمدرزاده راوندی، مهدی؛ مهکویی، حجت و نیازی، محسن (۱۴۰۲)، «تحلیل الگوی فضایی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخابات در ایران»، *فصلنامه آمایش محیط*، سال ۱۶، دوره ۶۰، ۹۳-۱۱۴.
- مصفا، نسرين (۱۴۰۱)، «جشن‌های سلطنتی و مشروعیت سیاسی: مطالعه موردی ایران عصر پهلوی»، *فصلنامه دولت پژوهی*، سال هشتم، شماره ۳: ۱-۲۲۲.

- ملکی، علی (۱۳۹۷)، «مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران: تعدد تفسیرها، چالش‌ها و راهکارها»، سیاست متعالیه، سال ششم، شماره ۹۱: ۱.
- نش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۸۸)، راهنمای جامعه‌شناسی، ترجمه محمدعلی قاسمی و قدیر نصری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای، مفاهیم مؤلفه‌ها و نظریه‌ها، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصری، قدیر و مرسللی، فاطمه. (۱۳۹۸)، «شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل مشروعیت سیاسی؛ با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶)»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۰، شماره ۱۰۹: ۱-۱۲۹.
- نوربخش، سید مسعود (۱۳۹۷)، نحوه تأثیر مصرف رسانه‌ای سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و شبکه‌های اجتماعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهران، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیازی، محسن (۱۳۹۸)، مشارکت سیاسی از نظریه تا عمل، تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
- واعظی، احمد و موسوی، سید غلامرضا (۱۳۹۱)، «پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی»، نشریه علوم سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۵۹: ۷-۳۴.
- وهاب‌زاده دهخوارقانی، رامین (۱۴۰۱)، «متغیرهای تأثیرگذار بر کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی از دوره هفتم تا سیزدهم انتخابات ریاست جمهوری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی رجب ایزدی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه تبریز.

- یزدانی، هانیه (۱۳۹۹)، «بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تبریز و عوامل اجتماعی مرتبط با آن سال تحصیلی ۱۳۹۸/۹۹»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین بنی‌فاطمه، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز.
- یوسفی، علی (۱۳۸۲)، «تأملی مسئله‌گرا در نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۱، شماره ۱: ۵۷-۸۵.

ب- منابع لاتین

- Amossy, R. (2022). "Constructing political legitimacy and authority in discourse". *Argumentation et Analyse du discours*, (28).
- Braun, D. (2012). "Trends in political trust in new European democracies. Decline or increase? Implications for established democracies". *Innovative Democracy Working Paper Series*, 1(2), 1-23.
- Bretzer, Noreen, Ylva (2002), "How can Institution Better Explain Political Trust than Capitals do?" Ph.d theses, *University of Gothenburg*.
- Coen, D., & Katsaitis, A. (2022). "Governance, accountability, and political legitimacy: who participates in the European parliament's committee hearings (ECON 2004-2014)". *Journal of European Integration*, 44(4), 475-491.
- Hosain Aziz, Maha (2019). "Future World Order", Published by Amazon KDP.
- Petrarca, C. S., Giebler, H., & Weßels, B. (2022). "Support for insider parties: The role of political trust in a longitudinal-comparative perspective". *Party Politics*, 28(2), 329-341.
- Van't Riet, J., & Van Stekelenburg, A. (2022). "The Effects of Political Incivility on Political Trust and Political Participation: A Meta-Analysis of Experimental Research". *Human Communication Research*, 48(2), 203-229.

- Wong, T. K. Y., Wan, P. S., & Hsiao, H. H. M. (2011). "The bases of political trust in six Asian societies: Institutional and cultural explanations compared". *International Political Science Review*, 32(3), 263-281.
- Yang, H. C., & DeHart, J. L. (2016). "Social media use and online political participation among college students during the US election 2012". *Social Media+ Society*, 2(1), 2056305115623802.